

وعده‌های آخر زمانی و موعودگرایی در آیین یهود

محمد مهدی کریمی نیا^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲، رحیم اریک^۳

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۲ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

^۳ کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

آرزوی ظهور یک مصلح، در همه مذاهب، امری مشترک و از اصول مسلم اعتقادی ادیان به شمار می‌رود. انتظار موعود، نه تنها در ادیان زرتشتی، یهودی، مسیحی و اسلام وجود دارد، بلکه در کتب یونان قدیم، افسانه‌های میترا، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت. علایم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات‌دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی (عج)، موعود اسلام نیز قابل انطباق است. در این جستار با رویکرد تاریخی، توصیفی و تحلیلی نظرات آیین یهود و نه همه ادیان آسمانی در باره انتظار موعود و مصلح کل، مورد بررسی قرار می‌گیرد که مهم ترین منابع، تورات و تلمود، شرح و تفسیر قوانین یهود، خواهد بود. ابتدا به واکاوی واژه «وعده» پرداخته خواهد شد و در ادامه به انتظار و علائم ظهور در سنت یهود اشاره می‌شود. همچنین کیفیت ظهور مصلح یهود یکی از بخش‌های اصلی این جستار به حساب می‌آید؛ یهود منتظرند که قائمی از اولاد داوود پیغمبر (ع) ظهور کند؛ به طوری که اگر لب‌هایش به دعا حرکت کند، تمام امت‌ها نابود شوند. در تاریخ یهود، همیشه وجود آشوب‌ها و جنگ‌های بزرگ، اندیشه انتظار موعود را تقویت نکرده است، بلکه در مواردی که با یهودیان خوش رفتاری شده و پست‌ها ی مهم را اشغال کرده‌اند، این آرمان تقویت شده است. در ارتباط با جهان آینده، به برخی از آیات تورات استناد شده است؛ از مجموع عبارات، این نکته استفاده می‌شود که از نظر یهود، جنگ‌ها و سختی‌های فراوانی فرا روی بشر است.

واژه‌های کلیدی: وعده، موعود، تورات، مصلح، مسیحا، یهود، تلمود.

مقدمه

انتظار موعود، موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان و از جمله دین یهود، از اهمیت خاصی برخوردار است. آرزوی ظهور یک مصلح بزرگ جهانی، در همه مذاهب مشترک بوده و از اصول مسلّم اعتقادی این ادیان به شمار می‌رود. این امر، علاوه بر این که از تعالیم دینی کتب آسمانی، مانند تورات، انجیل و قرآن کریم به حساب می‌آید، از اموری است که به سرنوشت بشریت و تکامل انسان هم ارتباط دارد. به عبارت دیگر، وقتی انسان ناامید می‌شود و می‌بیند که با وجود این همه ترقی و پیشرفت های فکری و علمی، روز به روز به فساد و تباهی بیشتری کشیده می‌شود و اختراعات و اکتشافات حیرت‌آور، نتوانسته انسان را از سردرگمی نجات دهد، بنا به فطرت ذاتی خود، متوجه درگاه خداوند بزرگ می‌شود و از او برای رفع ظلم، ستم و بحران های روحی و معنوی کمک می‌جوید. از این رو، در همه قرون و اعصار، آرزوی موعود جهانی، در دل های خداپرستان وجود داشته است و این آرزو، تنها در میان پیروان مذهب های بزرگ مانند زرتشتی، یهودی، مسیحی و مسلمان سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه‌های یونانی، افسانه‌های میترا در ایران، کتب قدیم چینیان، عقاید هندیان و در بین اهالی اسکانندیناوی و حتی در میان مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها نیز می‌توان یافت (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۱۳، ص ۱۷۸).

با مطالعه کتاب‌های آسمانی و تاریخ ادیان، به خوبی روشن می‌شود که عقیده به موعود و مصلح کل، اختصاص به شیعه یا اسلام ندارد، بلکه تمام ادیان و مذاهب آسمانی در این عقیده مشترکند. پیروان همه ادیان معتقدند که در یک عصر تاریک و بحرانی که جهان را فساد، بیدادگری و بی‌دینی فرا گرفته، نجات دهنده‌ای بزرگ طلوع می‌کند و به واسطه نیروی فوق العاده غیبی، اوضاع آشفته جهان را اصلاح می‌کند و خداپرستی را بر بی‌دینی و مادی‌گری غلبه می‌دهد. البته هر ملتی او را با لقبی مخصوص می‌شناسد؛ زرتشتیان او را به نام سوشیانس؛ یعنی نجات دهنده جهان، عیسویان به نام مسیح موعود، یهودیان به نام سرور میکائیلی و مسلمانان به نام مهدی موعود می‌شناسند. هر ملتی نیز آن موعود نجات بخش را از خودش می‌داند؛ مثلاً زرتشتیان او را ایرانی و از پیروان زرتشت می‌دانند، عیسویان او را هم کیش خودشان می‌شمرند، یهودیان او را بنی‌اسرائیلی و از پیروان موسی می‌شمرند و مسلمانان او را از دودمان بنی هاشم و فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شمارند، که البته اسلام، به‌طور کامل و مشخص، این شخصیت جهانی و موعود کل را معرفی نموده اما در سایر ادیان چنین نیست.

نکته قابل توجه این که علائم و مشخصاتی که در سایر ادیان برای آن نجات دهنده بزرگ ذکر شده، در مورد مهدی، موعود اسلام؛ یعنی فرزند بلا فصل امام حسن عسکری (ع) نیز قابل انطباق است؛ زیرا می‌توان او را از نژاد ایرانی شمرد، چرا که مادر حضرت سجاد (ع) که جد امام زمان (ع) است، یک شاهزاده خانم ایرانی به نام شهربانو، دختر یزدگرد، پادشاه ساسانی بود. همچنین می‌توان او را از دودمان بنی اسرائیل شمرد؛ زیرا بنی هاشم و بنی اسرائیل، هر دو از نسل ابراهیم خلیلند؛ بنی هاشم از نسل اسماعیل و بنی اسرائیل از نسل اسحاق‌اند. با عیسویان نیز نسبت دارد؛ زیرا مادر حضرت صاحب الامر (عج) یک شاهزاده خانم رومی به نام نرجس بوده که به صورت شگفت‌انگیزی خود را به امام حسن عسکری (ع) می‌رساند (طاهری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۵).

عشق به صلح و عدالت، در درون هر کسی وجود دارد. همه از صلح و عدالت لذت می‌برند و با تمام وجود، خواهان جهانی سرشار از صلح و عدالتند و بر همین اساس، همه اقوام و ملل، منتظر مصلح کلند. بررسی دیدگاه ادیان آسمانی و بلکه همه مذاهب در مورد موعود و مصلح جهانی، بسیار قابل توجه است ولی مسلمانان کمتر به این مهم توجه کرده‌اند. وقتی بشریت به این مهم توجه پیدا نماید که عقیده به ظهور یک نجات دهنده فوق العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است که از مصدر وحی سرچشمه گرفته و همه پیامبران بدان بشارت داده و همه ملل در انتظار او هستند، در این صورت، مسلمانان بویژه شیعیان، به خیالبافی، عقاید خرافی و نظایر آن متهم نمی‌گردند.

در ارتباط با موعودگرایی، پژوهش های متعددی انجام شده است: برخی محققان مقایسه گونه شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه را بررسی نموده اند (جوانشیر، ۱۳۹۰). هم چنان برخی سعی کرده اند با تمرکز بر ارزش های خبری در حاکمیت موعود را به تصویر بکشانند (حاج محمدی، ۱۳۸۹). عده ای دیگر از پژوهشگران به صورت کلی به بحث موعود در ادیان پرداخته اند (ابراهیم زاده آملی، ۱۳۸۶). برخی هم به موعود در آیین زرتشت پرداختند (حسینی، ۱۳۸۷).

در این جستار، دیدگاه دین یهود و نه همه ادیان آسمانی درباره انتظار موعود و مصلح کل، مورد توجه قرار می گیرد که مهم ترین منبع، همان تورات و تلمود، شرح و تفسیر قوانین یهود، خواهد بود. ناگفته نماند که ما در صدد اثبات مهدی موعود با استدلال به بشارت های کتب قدیم نیستیم و اصولاً به آنها احتیاج نداریم، بلکه با مطالعه دیدگاه یهود و البته ادیان آسمانی دیگر در این زمینه، روشن می شود که عقیده به انتظار موعود و نجات دهنده فوق العاده جهانی، یک عقیده مشترک دینی است. البته همان طور که بیان شد، مهم ترین منبع مورد استناد در این جستار، تورات و تلمود است؛ چه این که هدف ما بیان مسأله انتظار موعود از دیدگاه یهود است. با این حال، از استفاده از کتب دیگر غفلت نورزیده ایم.

۱. مفهوم شناسی:

۱-۱. مفهوم وعده:

«وعد» در لغت به معنی «عهد» است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۲۷)، در اصطلاح عبارتست از تعهد کردن به انجام امری، خواه آن امر خیر باشد یا شرّ، و اختصاص پیدا کردن به یکی از آنها به واسطه قرینه، معین می شود (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۱۹). «وعد» در وعده خیر و شرّ بکار می رود ولی «وعید» و «ایعاد» فقط در وعده شرّ استعمال می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۶۳). راغب هم چنین گوید: «لفظ «وعد» هم در خوبی و هم در بدی می باشد؛ وَعْدَتُهُ بِنَفْعٍ وَ ضَرَّ وَعْدًا وَ مَوْعِدًا وَ مِيعَادًا؛ که سه مصدر دارد یعنی او را به سود و زیان وعده دادم، امّا لفظ «وَعِيد» فقط در بدی و شرّ و زیان است مصادرش «مَعَاوِدَةٌ وَ تَوَاعُدٌ» است» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۶۵).

۱-۲. مفهوم یهود:

برخی معتقدند که چون به موسی وحی شد که «يَهُوُ» یعنی «پرستش خدای بزرگ» را به قومت معرفی کن، لذا دین موسی به یهود نامگذاری شده است (بی ناس، ۱۳۵۴، ص ۳۳۲). ولی عده ای دیگر معتقدند که چون یکی از فرزندان یعقوب، نامش یهودا بود که حضرت یعقوب علاقه مند بود برای اتحاد بین فرزندانش وی را به عنوان سرپرست دیگر فرزندان انتخاب کند، لذا دستور داد همه از او پیروی کنند؛ امّا فرزندان یعقوب با هم نساختند و اختلاف بین آنها ایجاد شد. گروهی به همان آداب و رسوم گذشته پدری خویش ادامه دادند و گروهی از یهودا پیروی کردند و او را پیشوای خویش ساختند. بعداً ذال کلمه «یهودا» تبدیل به دال شد و به پیروان یهودا، یهودا، یهود اطلاق شد (بینا، ۱۳۷۰، ص ۲۷۴؛ طیاره، بی تا، ص ۲۷). در واقع قول نخست به حقیقت نزدیک تر است.

۲. انتظار در عهد عتیق و تلمود:

۲-۱. مسیحای عهد عتیق:

در کتاب یهود برای معرفی منجی یهود از عناوینی مثل «مسیحا» استفاده شده و نامی از عیسی (ع) برده نشده است. این واژه

فارسی از واژه عبری «ماشیح» از ماده «مشح» است و به معنای «مسح شده» یا «پاک شده» با روغن مقدس است که لقب پادشاهان قدیم بنی اسرائیل بوده است که با روغن مقدس معبد مسح می شدند؛ اما در زمان های بعد، لقبی برای پادشاه آرمانی یهود شد (المسیری، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۳۱۹). اولین موردی که در عهد عتیق ادعا شده و به حضرت عیسی (ع) اشاره دارد، جمله ای است که در سفر پیدایش آمده است که خدا به مار گفت: «میان تو و زن (حوا) و میان ذریت تو و ذریت زن، عداوت و دشمنی می گذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه او را خواهی کوبید» برخی از نویسندگان مسیحی (فینلی، بی تا، ص ۱۷) در پی آن بوده اند از این عبارت استفاده کنند که ذریت زن، به حضرت عیسی (ع) اشاره دارد که اعمال ابلیس را نابود می سازد (نامه اول یوحنا ۳: ۸).

۲-۲. مسیحای تلمود:

تلمود، دومین کتاب مهم دینی و مقدس یهودیان پس از عهد قدیم می باشد. به طور کلی تلمود، مسیحای را این گونه تصور می کنند: یک انسان (الحسینی، بی تا، ص ۱۶۰) که نهالی از خاندان سلطنتی حضرت داود (ع) است و قداست او تنها به سبب موهبت های طبیعی او خواهد بود؛ امت های مشرک به دست او نابود خواهند شد و بنی اسرائیل قدرت جهانی خواهد یافت (کرینستون، ۱۳۷۷، ص ۶۵). اندیشه های مسیحایی در نوشته های فیلسوفان یهودی قرون وسطا شکل تازه ای به خود گرفت؛ ایشان با حفظ خطوط کلی چهره مسیحا و زمان او به گونه ای که در تلمود ترسیم شده بود، تلاش کردند مفاهیم خیالی و مادی آنرا حذف کنند و حوادث فوق طبیعی آنرا عقلانی کنند؛ هرچند این فیلسوفان نمی پنداشتند با این کار از تلمود فاصله می گیرند. آنان بر این نظر بودند که تلاش آنها ارائه تفسیری عقلانی از سنت است؛ اما این نظریه های در میان توده مردم تأثیر زیادی نداشت و حتی دانشمندان آن زمان حاضر نبودند جزئیات مفهوم تلمودی مسیحا را نادیده بگیرند؛ همان جزئیاتی که تا زمان حاضر نیز باقی مانده است (پیشین، ص ۹۵).

۳. یهود؛ باز هم انتظار:

شور و التهاب انتظار موعود آخرالزمان، در تاریخ پر فراز و نشیب یهودیت و مسیحیت موج می زند. یهودیان، در سراسر تاریخ محنت بار خود، هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت، درد و رنج رها کند، فرمانروای جهان گرداند. در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست، خود بر پای خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد برآمده اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است. درست است که اقلیتی ناچیز از یهودیان، بر اثر دلبستگی شدید به امیدهای قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی شمرده و پیوسته با آن مخالفت کرده اند، ولی سواد اعظم یهودیت، آن را از جان و دل پذیرفته و آن را رهگشای عصر مسیحا دانسته اند.

هم اکنون صهیونیست های اشغالگر فلسطین، علاوه بر دعا های مسیحایی مرسوم، در پایان مراسم سالگرد بنیانگذاری رژیم اسرائیل غاصب (پنجم ماه ایّار عبری)، پس از دمیدن در شیپور عبادت، اینگونه دعا می کنند: «اراده خداوند، خدای ما چنین باد که به لطف او شاهد سپیده دم آزادی باشیم و نفخ صور مسیحا، گوش ما را نوازش دهد» (کرینستون، ۱۳۷۷، ص ۱۳).

در سراسر تاریخ بنی اسرائیل، کسانی به عنوان موعود یهود برخاستند و با گرد آوردن برخی افراد ساده لوح، بر مشکلات آنان افزودند. اما در این میان، حضرت عیسی، مسیح بن مریم علیه السلام ظهور کرد و با داشتن شخصیتی بس والا و روحی الهی، دین بسیار بزرگی را بنیاد نهاد و گروه بی شماری را به ملکوت آسمان رهنمون شد. مسیحیت نیز، بر اساس اندیشه انتظار پدید آمد و پس از رفتن حضرت عیسی مسیح (ع) پیوسته مسیحیان در سوز و گداز و شوق بازگشت دوباره وی، روزگار گذرانده اند. شوق و هیجان امید به ظهور آن حضرت، هنگام نزدیک شدن سال ۱۰۰۰ میلادی میان مسیحیان اوج گرفت. اکنون نیز در

آستانه هزاره سوم میلادی، چنین وضعی در جوامع مسیحی مشاهده می‌شود.

در ارتباط با جهان آینده، به برخی از آیات تورات استناد شده است. از مجموع این عبارات، این نکته استفاده می‌شود که از نظر یهود، جنگ‌ها و سختی‌های فراوانی فرا روی بشر است. عده‌ای رستگار و عده بیشتری بدبخت و نابود می‌گردند. اگر چه مشکلات و دشواری‌های فراوانی برای قوم یهود و پیروان حقیقی این آیین وجود دارد، اما در نهایت، رستگاری و نجات در انحصار یهودیان خواهد بود. در تورات می‌خوانیم:

«و در آن زمان میکائیل، امیر عظیمی که برای پسران تو ایستاده است، خواهد برخاست و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز، نبوده و در آن زمان هر یک از قوم تو که در دفتر مکتوب یافت شود، رستگار خواهد شد و بسیاری از آنانی که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی» (تورات، دانیال نبی، باب ۱۲ / ۱-۳).

نیز در جای دیگر از تورات، می‌خوانیم: «ای امتی که حیا ندارید! فراهم آید و جمع شوید، قبل از آن که حکم نتاج بیاورید و آن روز مثل کاه بگذرد، قبل از آن که حدت خشم خداوند بر شما وارد آید، قبل از آن که روز خشم خداوند بر شما برسد. ای جمیع حلیمان زمین که احکام او را به جا می‌آورید! عدالت را بطلبید و تواضع را بجوید، شاید که در روز خشم خداوند مستور شوید؛ زیرا که غزه متروک می‌شود و اَشْقَلُون ویران می‌گردد و اهل اشدود را در وقت ظهر اخراج می‌نمایند و عَقْرُون از ریشه کنده می‌شود. وای بر امت کریتیان که بر ساحل دریا ساکنند. ای کنعان، ای زمین فلسطینیان! کلام خداوند به ضد شماست و من تو را چنان هلاک می‌کنم که کسی در تو ساکن نخواهد بود... و ساحل دریا برای بقیه خاندان یهودا خواهد بود تا در آن بچرند.» (همان، کتاب صنفیای نبی، باب ۲ / ۱-۷).

در دنیای آینده و در زمان موعود منتظر، نعمت های فراوانی روی زمین به وجود خواهد آمد؛ چیزی که قبلاً سابقه نداشته است. البته همان طور که قبلاً بیان گردید، از نظر یهود، این نعمت ها فقط برای پیروان یهود خواهد بود.

«و بار دیگر آفتاب در روز، نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید؛ زیرا که یَهُوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود.» (پیشین، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۹/۶۰). «و واقع خواهد شد که هر ذی حیات جنبنده‌ای در هر جایی که آن نهر داخل شود، زنده خواهد گشت» (شفا خواهد یافت) (همان، کتاب حزقیال، باب ۴۷/۹).

در آن زمان، درختان وادار می‌شوند تا هر ماه میوه آورند و انسان از آن میوه‌ها می‌خورد و شفا می‌یابد:

«و بر کنار نهر به این طرف و آن طرف، هر قسم درخت خوراکی خواهد رویید که برگهای آن پژمرده نشود و میوه‌های آنها لاینقطع خواهد بود و هر ماه میوه تازه خواهد آورد؛ زیرا که آبش از مقدس جاری می‌شود و میوه آنها برای خوراک و برگهای آنها به جهت علاج خواهد بود» (همان، کتاب حزقیال نبی، باب ۴۷ / ۱۲-۱۱).

همچنین در آن زمان، صلح جاویدان در سراسر طبیعت حکم فرما خواهد شد:

«گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و گاو پروار با هم (خواهند زیست) و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو بر خرس خواهد چرید و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو، کاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و کودک از شیر باز داشته شده، دست خود را بر لانه افعی خواهد گذاشت» (تورات، کتاب اشعیای نبی، باب ۱۱ / ۶، ۷ و ۸).

از نظر تورات، دورانی از صلح پایدار و بی زوال و شادمانی و خرسندی پدید خواهد آمد. در جهان کنونی، انسان بنایی را می‌سازد و دیگری آن را فرسوده می‌کند. کسی نهالی را می‌نشانند و دیگری میوه آن را می‌خورد، اما در مورد جهان آینده، چنین می‌خوانیم:

«آنها بنا نخواهند کرد تا دیگری در آن ساکن شود و (درخت) غرس نخواهد کرد تا دیگری (میوه آن را) بخورد... زحمت بیهوده نخواهند کشید و اولاد به جهت وحشت و اضطراب به دنیا نخواهند آورد» (تورات، اشعیا نبی، باب ۲۲ / ۲۲-۲۳؛ کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۵۸-۳۷۰).

۴. علامت‌های ظهور نزد یهود:

یهود در کتاب‌های خودشان علائم و نشانه‌هایی را برای مصلحتی که در انتظارش هستند، ذکر کرده‌اند که در این جا به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

۱. همه سبط‌های ده‌گانه اجتماع کنند و در مقابل حکومت واحد از بیت داوود، خاضع می‌باشند.

۲. یاجوج و ماجوج شکست می‌خورند.

۳. کوه زیتون شکاف بر می‌دارد.

۴. وادی مصر خشک می‌شود.

۵. آبه ای گوارا در اورشلیم و از بیت المقدس بیرون می‌آید.

۶. ده نفر مرد از قومیت‌های مختلف دنیا به لباس یک یهودی می‌چسبند و از او التماس می‌کنند که با او باشند؛ زیرا اینان شنیده‌اند که خدا با یهود است.

۷. شرورهای زمین نابود شوند؛ اینان نظرشان این است که مسیح (ع) نمی‌آید، مگر بعد از آن که بر دین بنی اسرائیل خروج کرده‌اند، از بین رفته باشند. به همین جهت، بر هر یهودی واجب است تا حد امکان کوشش کند که با سایر امت‌ها اشتراک نداشته باشند تا تمام قدرت و حکومت، فقط در اختیار یهود بماند. و قبل از آن که یهود به طور نهایی بر بقیه امت‌ها حاکم شود، باید جنگ به پا شود و ثلث دنیا نابود گردد و یهود، هفت سال پی در پی بماند و سلاح‌هایی را که بعد از پیروزی به دست آورده‌اند، بسوزانند. در چنین روزی است که یهود به بالاترین مرحله ثروت و سرمایه‌داری رسیده و همه اموال دنیا را مالک شده است و بزودی گنج‌های اینان، خانه‌های بزرگی را پر می‌کند که برای حمل کلیدهای این خانه‌ها سیصد الاغ لازم است و این زمانی است که مردم دسته دسته به یهود داخل می‌شوند و همگان از آن استقبال می‌کنند. غیر از مسیحی‌ها که هلاک می‌شوند؛ زیرا آنان از نسل شیطانند (بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۸).

در تعالیم تلمود راجع به نشانه‌های ظهور مصلح یهود، چنین آمده است: «بر هر یهودی واجب است که کوشش کند تا حکومت دنیا را به دست بگیرد و بقیه امم، با کمال خواری و ذلت قرار بگیرند و قبل از سلطه نهایی، باید جنگی به پا شود و دو ثلث عالم از بین برود و یهود، هفت سال باقی می‌ماند و سلاح‌هایی را که به دست آورده‌اند، می‌سوزاند و در این هنگام، دندان‌های دشمنان بنی اسرائیل به اندازه ۲۲ ذراع شده و از دهنها بیرون آمده است! زندگی یهود در این دوره، در جنگ با سایر امم است و بزودی مسیح حقیقی می‌آید و شخص منتظر، به پیروزی می‌رسد و امت یهود، به اوج سرمایه‌داری و ثروت می‌رسد؛ چون که

مالک تمام املاک دنیا می‌شود؛ به طوری که برای حمل کلیدهای گنج‌های آنان، حداقل سیصد الاغ لازم است» (شریف قرشی، ۱۳۸۱، ص ۲۴۳).

با توجه به مطالب یاد شده، روشن می‌شود که اصل ظهور منجی جهان در نزد پیروان دین یهود، ثابت و مسلم است. در عین حال، بغض و کینه آنان نسبت به همه ادیان و مخصوصاً مسیحیت قابل انکار نیست. از آرزوهای یهود آن است که از طریق ظهور موعود منتظر، بر همه بشریت مسلط شوند و همه ملل و اقوام دنیا، تسلیم یهود و تحت استعمار آنان باشند. توجه به این نکته ضروری است که مسأله منجی جهانی، صبغه یهودیت یا نژاد یهودی ندارد.

در آغاز قرن هفدهم، نشانه‌های بیشتری برای نزدیک بودن قطعی عصر مسیحایی مشاهده شد. چندین جنگ مصیبت بار و شرم آور، میان کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها در اروپا در گرفت که به نظر می‌رسید آنها دوران مصیبت بار قبل از عصر مسیحا را محقق می‌کنند و جنگ‌های سی ساله، (۱۶۱۸-۱۶۴۸) اوج آنها بود. در آغاز، جنگی میان شه‌یاران کاتولیک و پروتستان آلمان رخ داد و بتدریج، تمام قدرت‌های اروپا را درگیر کرد و سرانجام، آشوب و در هم ریختگی در همه ممالک، بالا گرفت.

گرچه در این دوران خونین، یهودیان آزار ویژه‌ای ندیدند و شاید برخی از مسیحیان به آنان توجه بیشتری کردند، ولی بسیاری از جوامع یهودی ویران شدند و بر اثر آشفتگی عمومی حاکم بر اروپا، برخی زیان‌های مادی برای آنان به بار آمد.

۵. آزادی یهود و تقویت آرمان ظهور:

در تاریخ یهود، همیشه وجود آشوب‌ها و جنگ‌های بزرگ، اندیشه انتظار موعود را تقویت نکرده است، بلکه در مواردی که با یهودیان خوش رفتاری شده و پست‌های مهم را اشغال کرده‌اند، این آرمان تقویت شده است. جولوس کرینستون در این باره می‌گوید: «یک امر شگفت‌آور این که همین آزادی و خوش رفتاری با یهودیان در بسیاری از کشورها و نیل آنان به مقام‌های بلندی در شوراهای شهر و امور مالی و اقتصادی جهان از دیدگاه طبقه دیگری از یهودیان، نشانه نزدیک شدن عصر مسیحایی (عصر ظهور) تلقی شد. یهودیان ستم‌دیده اروپای شرقی، طبعاً برای رهایی سریع اشتیاق داشتند و دعا می‌کردند. پیر و جوان، افسانه‌های مسیحا و شگفتی و شکوه آمدنش را می‌گفتند. به دست آوردن حق شهروندی و امتیازات سیاسی، در نظر آنان به اندازه بازگشت کامل دولت قدیم تحت رهبری مسیحای آرمانی که «مسح شده» خداست، اهمیت نداشت. رنج‌های تبعید، عرصه را بر ایشان تنگ کرده بود و برای رهایی خود از آن وضعیت نکبت‌بار، جز از طریق حوادث فوق طبیعی، چشم‌اندازی نداشتند. هنگامی که اخبار درخشیدن بزرگان و سیاستمداران یهود به این جوامع رسید (و غالباً به شکل مبالغه‌آمیزی نقل می‌شد که قدرتهای حاکم در اروپا به برادران ایشان علاقه نشان می‌دهند)، مفاهیم بی روح یک مسیحا و یک عصر مسیحایی، شکل دقیق تری بر خود می‌گرفت. اندیشه رهایی از تنگنای موجود به وسیله جریان طبیعی به طور ناخودآگاه با امید مبهم دوران مسیحایی در هم می‌آمیخت» (کرینستون، ۱۳۷۷، ص ۱۶۴).

«آزادی یهودیان در کشورهای اروپای غربی، مقدار معینی از خود آگاهی و غرور ملی را در دل‌های یهودیان مشرق برانگیخت و معماران بعد، پایه‌های جنبش ملی بزرگ یهودیان یعنی؛ صهیونیسم را بر آن بنا کردند.» (همان).

از نظر این نویسنده، عده قلیلی از یهودیان بر این عقیده بودند که با تشکیل رژیم اسرائیل در سرزمین‌های مقدس، زمینه‌ساز ظهور مسیح خواهند بود. از این رو، احساسات یهودیان را برای سرزمین مقدس برانگیختند و ثروتمندان را برای ایجاد آبادی‌های یهودینشین، تشویق کردند.

در مقابل، عده کثیری از یهودیان، عقیده یاد شده را رد می‌کردند و عقیده داشتند که نجات، تنها از طریق دخالت مستقیم خدا

به دست می‌آید، سرعت بخشیدن به دوران رهایی از طریق ایجاد مهاجرنشین‌های یهودی در فلسطین، نقض آشکار شریعت به شمار می‌رود (همان، ص ۱۶۴). در این میان، نباید از نقش استعمارگران در مسأله فلسطین غفلت ورزید. آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای اروپایی، در تأسیس این غده سرطانی در قلب کشورهای اسلامی تلاش گسترده‌ای داشتند. اکنون نیز این حمایت‌ها، در ابعاد سیاسی و اقتصادی و تبلیغاتی ادامه دارد؛ برای مثال، آمریکا سالانه حدود چهار میلیارد دلار به صورت کمک بلا عوض در اختیار این رژیم قرار می‌دهد.

۶. یهود؛ اتاق انتظار مسیح (ع) و محورهای آن:

از برخی تعالیم دین یهود روشن می‌شود که شخص منجی و موعود منتظر، کسی جز حضرت عیسی مسیح (ع) نیست و در واقع، این عقیده، یکی از اشتراکات این دین، با مسیحیت می‌باشد. «توماس میشل» در این باره می‌گوید: تعالیم انبیا، در بر افروختن آتش شوق قیام مسیح در دل‌های قوم عهد عتیق (یهودیان) تأثیر بسزایی داشت؛ خدا قوم خود را در حالت نکبت و ذلت باقی نخواهد گذاشت بلکه خود او کسی را مسح کرده، برای نجات مردم خواهد فرستاد (عنوان «مسیح» از اینجا می‌آید). از کتاب‌های نبوت معلوم می‌شود که آرزوی آمدن مسیح برگرد سه محور اساسی می‌چرخید که البته این محورهای سه‌گانه به گونه‌ای مشخص از یکدیگر جدا نشده‌اند:

۱-۶. محور اول: مسیح پسر داوود:

برخی از انبیا، مانند حزقیال و ملاکی، اعلام داشتند که خدا بزودی یک مسیح را از نسل داوود برای بازگرداندن شکوه بنی‌اسرائیل خواهد فرستاد. انتظار می‌رود که مسیح یاد شده، قوم خود را از دست حاکمان مشرک رهایی بخشد و قدرت شریعت خدا را برای گروه کوچکی که در زمان تنگی، وفادار و مطیع فرمان خدا باقی خواهند ماند، بسط و اعتلا ارزانی کند. در این سلطنت (یا ملکوت) جدید، عدالت و نیکی به مستمندان و پرستش درست و خالصانه خدا، حکم فرما خواهد بود. خدا نیز از طریق مسیح خویش، بر قوم خود حکومت خواهد کرد. برخی از انبیا مژده دادند که این سلطنت تنها برای یهود نیست، بلکه همه ملت‌های جهان از آن برخوردار خواهند شد (لوقا، ۱۳۷۹، ۳۲/۱).

۲-۶. محور دوم: بنده خدا:

إِسْعَیَای نبی از «بنده خدا» که خواهد آمد، سخن گفته است: وی به دور از هر قدرت نظامی و اقتصادی و هر شکوه ظاهری و نفوذ کلمه خواهد آمد. همچنین او از روی ایمان و تسلیم به اراده خدا، مخالف هر گونه شدت عمل، دارای صبر و بردباری برای تحمل دردها و ستم‌ها خواهد بود و با تحمل بار گناهان قوم، همچون وسیله‌ای برای نجات، عمل خواهد کرد (اشعیا نبی، ۱۳۷۹، ۱۱ / ۱۰-۱).

۳-۶. محور سوم: پسر انسان:

این شخصیت پیچیده، در کتاب دانیال آمده است. آن کتاب، به شیوه ادبی مکاشفات نوشته شده و فهم شیوه مذکور بسیار دشوار است؛ زیرا آشکال و رموز پیچیده و ناآشنایی در آن وجود دارد. ادبیات مکاشفه، به دوره‌ای از تاریخ یهود تعلق دارد که قوم، زیر ستم بود و به همین دلیل، امال و آرزوهای خود را در قالب اشارات و رموز بیان می‌کرد.

نوشته‌های مکاشفه، از «روز خداوند» سخن می‌گوید و این که خدا برای اصلاح مفاسد و اشرار و رهایی بخشیدن به کسانی که بر ایمان خود استوار مانده‌اند، در جهان وارد عمل می‌شود. به گفته ادبیات مکاشفه، به نشانه فرا رسیدن روز خداوند، «پسر

انسان» از آسمان فرو خواهد آمد و ملکوت الهی را بر پا خواهد ساخت (میشل، ۱۳۷۷، ص ۳۸-۳۷؛ طی، ۱۹۹۹م، ص ۶۱).

۷. ظهور مصلح یهود:

آیین یهود بر این عقیده اند که مصلح آخر الزمان انسانی می باشد همانند دیگر انسانها که دارای قدرت الهی است و این جهان را با نور خویش که جلوه‌ای از نور خداست روشن خواهد نمود. همچنین عقایدی در پیش از ظهور و حین ظهور و پس از ظهور دارند.

۷-۱. بحران پیش از ظهور مصلح یهود:

از نظر یهود، دوران پیش از ظهور، همراه با ستم به قوم بنی اسرائیل خواهد بود. امت ها در ستم کردن به بنی اسرائیل بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت و هر گرفتاری تازه، چنان شدید خواهد بود که گرفتاری های قبلی را از یادها خواهد برد. گفته‌های یهود در این باره، قدری خرافه گونه است و بعضی از مطالب بیان شده، با افسانه‌های کتب قدیم شباهت بیشتری دارد، هر چند این مطالب مربوط به دوران پیش از ظهور، از کتاب مقدس یعنی تورات اخذ شده است. جولوس کریستون می‌گوید:

پیش از آمدن مسیحا، یک ستون آتش در جهان ظاهر خواهد شد و چهل روز در برابر چشمان اقوام روی زمین، بر پا خواهد بود. آنگاه، مسیحای پادشاه، برای حرکت از مکانی در فردوس به نام «لانه گنجشک» فرمان خواهد یافت. او نخست در ایالت «جلیل» ظاهر خواهد شد؛ زیرا جلیل نخستین ناحیه‌ای بود که به دست رومیان ویران گردید. یک ستاره تابان در آسمان ظاهر خواهد شد و هفت ستاره دیگر، آن را محاصره خواهند کرد. آنها به مدت هفتاد روز، روزی سه بار با آن ستاره تابان خواهند جنگید و هر شب، بلعیده و هر صبح، بیرون افکنده خواهند شد. پس از هفتاد روز، آن ستاره از میان خواهد رفت. مسیحا در ستون آتش مذکور پنهان خواهد شد و به دوازده ماه، نامرئی خواهد بود. سپس وی را به آسمان برده، تاج پادشاهی بر سر او خواهند گذاشت و تمام قدرت و شوکت یک پادشاه را به او عطا خواهند کرد. آن گاه، وی به زمین فرود خواهد آمد و ستون آتش، دوباره مرئی خواهد شد. مسیحا در سراسر عالم معروف خواهد گردید و ملتها، همراه با بسیاری از یهودیان بی ایمان، با او به جنگ برخوانند خاست. سپس جهان به مدت پانزده روز تاریک خواهد شد و جمعی از مردم در آن دوره خواهند مرد. در سال ۷۳ از ششمین هزاره آفرینش جهان (۱۳۱۳ میلادی)، تمام اقوام در رم گرد خواهند آمد و خدا بر آنان باران آتش، تگرگ و سنگ فرو خواهد ریخت و ایشان به استثنای پادشاهانی که به رم نیامده‌اند، هلاک خواهند شد. این پادشاهان نیز خواهند خواست با مسیحا جنگ کنند و (فرزندان) اسماعیل در محاصره کردن اورشلیم به آنان خواهند پیوست. اما «او که بر آسمان نشسته است، می‌خندد.» بسیاری در پرستش خدا با یهودیان همراه خواهند شد و بدینگونه، خلقت تازه‌ای خواهند یافت؛ زیرا خدا ارواح تازه‌ای برای بازماندگان ایجاد خواهد کرد و آنان را برای ورود به هزاره هفتم آماده خواهد ساخت (کریستون، ۱۳۷۷، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ مزامیر، ۴:۲).

۷-۲. کیفیت ظهور مصلح یهود:

همان طور که گذشت، یکی از اعتقادات یهود، ظهور مصلح در آخرالزمان است. اوست که اخلاق فاسد مردم را تطهیر کرده و اصلاح می‌نماید. یهود منتظرند که قائمی از اولاد داوود پیغمبر (ع) ظهور کند؛ به طوری که اگر لب هایش به دعا حرکت کند، تمام امت ها نابود شوند و این موعود منتظر، به گمان یهود، همان مسیح است که وعده او به یهود داده شده است (شریف قرشی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۳). همچنین، در باب کیفیت ظهور مصلح یهود، در تعلیم این دین، از قول یکی از پیامبرانشان به نام اشعیا چنین آمده است:

«بزودی کسی از اصل و نسب ابی داوود خروج، و روح ربّ بر او حلول می‌کند و روح حکمت و فهم و قدرت و معرفت خوف ربّ بر او حاکم می‌باشد. او به نفع بیچارگان، حکم به عدل می‌کند و بر آنان انصاف می‌نماید و منافق را نابود می‌کند و امنیت و آرامش برقرار خواهد کرد؛ به طوری که همه براحته و در کنار هم زندگی می‌کنند» (همان، ص ۱۲۲).

۳-۷. بعد از ظهور مصلح یهود:

یهود معتقد است که بعد از ظهور مصلح، نعمت‌های گسترده، همه جای زمین را می‌گیرد و حیات و زندگی مردم، قرن‌ها طول می‌کشد؛ به طوری که قدّ یک مرد به مقدار دویست ذراع می‌شود. نیز معتقدند زمین اسرائیل بزودی نان و قماش می‌رویانند و بوته گندم، مانند درخت خرما در لبنان بلند می‌شود و بزودی هوا را می‌وزاند تا آن را آرد خوب و نرم قرار دهد. و نیز زمین اسرائیل «فطیر» می‌دهد و هر دانه‌ای هزار دانه بار می‌آورد و شراب، فراوان می‌شود و بوته انگور، حاصل زیاد می‌آورد و ساختمان اورشلیم به اندازه سه میل ارتفاع پیدا می‌کند و دربهای آن از لؤلؤ و سنگ‌های اصیل است که هر ضلع آنها سی ذراع می‌باشد. فقر از بین می‌رود و مردم تندرست می‌شوند و به فضیلت‌گرایی پیدا می‌کنند و عدالت و صداقت و صلح، حاکم می‌گردد و این زمان است که یهود بر تمام دنیا مسلط می‌شود و همه امتها برای آن مسیح، تسلیم می‌شوند و هر فرد یهودی، ۲۸۰۰ نوکر دارد که او را خدمت کنند! (همان، ص ۲۴۴؛ بحرانی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳ و ۱۲۹؛ ایش، بی تا، ص ۶۰-۶۱).

نتیجه‌گیری:

یهودیان مانند دیگر پیروان ادیان الهی به موعود معتقد هستند؛ آیین یهود بر این عقیده‌اند که مسیحای موعود هنوز ظهور نکرده است و در مقابل آیین مسیحیت منکر این نظریه‌اند و بر این عقیده‌اند که حضرت عیسی (ع) همان مسیحای انبیای موعود بنی اسرائیل است. به طور کلی یافته‌های تحقیق را می‌توان به بخش‌های ذیل تقسیم نمود:

الف. واژه فارسی «مسیحا» از واژه عبری «ماشیح» و از ماده «مشح» است به معنای «مسح‌شده» یا «پاک‌شده» با روغن مقدّس است که لقب پادشاهان قدیم بنی اسرائیل بوده است که با روغن مقدّس معبد مسح می‌شدند؛ اما در زمان‌های بعد، لقبی برای پادشاه آرمانی یهود شد.

ب. در کتاب یهود برای معرفی منجی یهود از عناوینی مثل «مسیحا» استفاده شده و نامی از عیسی (ع) برده نشده است. به طور کلی تلمود، مسیحای را این گونه تصور می‌کنند: یک انسان که نهالی از خاندان سلطنتی حضرت داود (ع) است و قداست او تنها به سبب موهبت‌های طبیعی او خواهد بود.

ج. یهود در سراسر تاریخ محنت بار خود، هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلّت، درد و رنج رها کند، فرمانروای جهان گرداند. در عصر ما نیز که یهودیان صهیونیست، خود بر پای خاسته و با اشغال فلسطین، در صدد برآمده‌اند حقارت همیشگی قوم یهود را برافکنند، چیزی از تب و تاب انتظار موعود کاسته نشده است.

د. یهود در کتاب‌های خود علائم و نشانه‌هایی را برای مصلحی که در انتظارش هستند، آورده‌اند، از جمله: اجتماع سبط‌های ده‌گانه در مقابل حکومت واحد از بیت داوود، شکست یاجوج و ماجوج، شکاف کوه زیتون شکاف، خشک شدن وادی مصر، بیرون آمدن آبهای گوارا در اورشلیم، ده نفر به لباس یک یهودی می‌چسبند و از می‌خواهند که با او باشند و نابودی شرورها.

ه. در تاریخ یهود، همیشه وجود آشوب‌ها و جنگ‌های بزرگ، اندیشه انتظار موعود را تقویت نکرده است، بلکه در مواردی که با یهودیان خوش رفتاری شده و پست‌های مهم را اشغال کرده‌اند، این آرمان تقویت شده است. بیان شد که عده کثیری از یهودیان، عقیده داشتند که نجات، تنها از طریق دخالت مستقیم خدا به دست می‌آید، سرعت بخشیدن به دوران رهایی از طریق ایجاد مهاجرنشین‌های یهودی در فلسطین، نقض آشکار شریعت به شمار می‌رود.

و. از برخی تعالیم دین یهود روشن می‌شود که شخص منجی و موعود منتظر، کسی جز حضرت عیسی مسیح (ع) نیست و در واقع، این عقیده، یکی از اشتراکات این دین، با مسیحیت می‌باشد. همچنین از کتاب‌های نبوت معلوم می‌شود که آرزوی آمدن مسیح برگرد سه محور «مسیح پسر داوود، بنده خدا و پسر انسان» می‌چرخید.

ز. در پایان این جستار، حواشی ظهور مصلح یهود را در سه بخش قبل و بعد ظهور و کیفیت ظهور بررسی کردیم: از نظر یهود، دوران پیش از ظهور، همراه با ستم به قوم بنی اسرائیل خواهد بود. امت‌ها در ستم کردن به بنی اسرائیل بر یکدیگر سبقت خواهند گرفت و هر گرفتاری تازه، چنان شدید خواهد بود که گرفتاریهای قبلی را از یادها خواهد برد. یهود بر این عقیده است که مصلحی خواهد آمد تا اخلاق فاسد مردم را تطهیر و اصلاح نماید. همچنین یهود معتقد است که بعد از ظهور مصلح، نعمتهای گسترده، همه جای زمین را می‌گیرد و حیات و زندگی مردم، قرن‌ها طول می‌کشد.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱) ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، موعود در ادیان، مجله حصون، شماره ۱۲.
- ۲) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ۳) ایبش، احمد (بی تا)، کتاب التلمود کتاب الیهود المقدس: تاریخچه و تعالیم و مقتطفات من نصوصه، بی جا: دار قتیبة للطباعة و النشر و التوزیع.
- ۴) بحرانی، هاشم (۱۳۸۸)، البرهان فی تفسیر القرآن، ترجمه رضا ناظمیان و همکاران، تهران: کتاب صبح.
- ۵) بی ناس، جان (۱۳۵۴)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: نشر پیروز.
- ۶) بینا، محسن (۱۳۷۰)، موسی از دیدگاه قرآن، تهران: نشر سازمان تبلیغات.
- ۷) جوانشیر، موسی (۱۳۹۰)، مقایسه گونه شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه، مجله انتظار موعود، شماره ۳۴.
- ۸) حاج محمدی، علی (۱۳۸۹)، ارزش های خبری در حاکمیت موعود، مجله مشرق موعود، شماره ۱۶.
- ۹) حسینی، سید حسن (۱۳۷۸)، موعود در آیین زرتشت، مجله هفت آسمان، شماره ۳ و ۴.
- ۱۰) الحسینی، المعدی (بی تا)، اسرار التلمود، بی جا.
- ۱۱) خواص، امیر (۱۳۸۸)، مسیح در آیین یهود، معرفت ادیان، سال اول، ش ۱.
- ۱۲) راغب اصفهانی، حسین (۱۳۶۹)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن با تفسیر لغوی و ادبی قرآن، تهران: مرتضوی.
- ۱۳) شریف قرشی، باقر (۱۳۸۱)، زندگانی خاتم الاوصیاء امام مهدی (عج)، ترجمه ابولفضل اسلامی، قم: نشر فقاقت.
- ۱۴) طاهری، حبیب الله (۱۳۷۸)، سیمای آفتاب، قم: انتشارات مشهور.
- ۱۵) طی، محمد (۱۹۹۹م)، المهدی المنتظر بین الدین و الفكر البشري، بیروت: الغدير.

- ۱۶) طیاره، عفیف عبدالفتاح (بی تا)، **چهره یهود در قرآن**، ترجمه مهدی آیت اللهی، قم.
- ۱۷) فینلی، م (بی تا)، **در جستجوی حقیقت**، ترجمه ط میکائیلان، بی جا.
- ۱۸) قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱)، **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- ۱۹) کتاب مقدس عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۷۹)، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن، هنری مرتن، تهران: اساطیر.
- ۲۰) کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۲)، **انتظار موعود در آیین یهود**، رواق اندیشه، ش ۲۷.
- ۲۱) کرینستون، جولیسون (۱۳۷۷)، **انتظار مسیحیا در آیین یهود**، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ۲۲) کهن، آبرهام (۱۳۵۰)، **گنجینه ای از تلمود**، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران: زیبا.
- ۲۳) مجلسی، محمد باقر (۱۳۸۴)، **بحار الأنوار**، ج ۱۳، ترجمه علی دوانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۴) المسیری، عبدالوهاب (۱۳۸۳)، **دائرة المعارف یهود، یهودیت و صهیونیسم**، ترجمه مؤسسه مطالعات و پژوهش های خاورمیانه، تهران، بی نا.
- ۲۵) مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، **تفسیر روشن**، تهران: مرکز نشر کتاب.
- ۲۶) میشل، توماس (۱۳۷۷)، **کلام مسیحی**، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.